

## تحلیل تاریخ قانون‌گذاری با تأکید بر اصلاحات قانون مجازات اسلامی (قانون‌گذاری حقوق جزای اسلامی در ایران)

شهلا مرادی فام<sup>۱\*</sup>

۱- کارشناسی ارشد رشته حقوق، گرایش حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده آموزش‌های الکترونیکی، دانشگاه قم، قم، ایران.

### چکیده

حقوق جزا از مباحث مطرح در علم حقوق و یکی از شاخه‌های حقوق عمومی بوده و به معنای مجموع قواعد کلی و مشترک حاکم بر تحقق جرائم و ضوابط تعیین شده از سوی دولت در تعریف مجازات‌ها است. حقوق جزا مرجع تعیین اشخاص دارای مسئولیت کیفری؛ جزائی و نیز تعیین نوع کیفر و اقدامات تأمینی می‌باشد. نهاد قانون‌گذار با تعریف جرم و مجازات ضمن پیش‌گیری از وقوع جرم، جامعه و افراد آن را از ارتکاب جرم و آثار زیان‌بار آن حفظ کرده اشخاص قانون‌شکن را از عواقب و مجازات سخت اعمال مجرمانه بر حذر می‌دارد. از ویژگی‌های برجسته نظام کیفری اسلام، نمایاندن زشتی افعالی است که ارتکاب آن جرم را محقق می‌کند. با نمایاندن زشتی افعال و پلیدی، جامعه از ارتکاب آن‌ها بر حذر داشته می‌شود؛ لذا حقوق کیفری اسلام، گرمی‌داشت انسان و حفظ مقام و جایگاه والای انسان است. حقوق جزای اسلامی عبارت است از مجموعه قواعدی همگانی و همیشگی که شریعت اسلام برای پیشگیری از وقوع جرم و تأمین سلامت و صیانت مردم و برقراری عدالت و حفظ نظم و امنیت در جامعه به وسیله قرآن و سنت اسلامی مقرر داشته‌است. به عبارت دیگر مقررات کیفری اسلام را که شارع مقدس آن در این جهان برای گناهکاران یا جنایت‌کاران تعیین نموده‌است اعم از آن که مربوط باشد به گناهی که دارای کیفر خاصی می‌باشند یا به گناهان دیگر، و اعم از این که کیفر جنایت، بدنی باشد یا مالی، حقوق جزای اسلامی می‌نامند. مقاله حاضر به معرفی تلقی سنتی حقوق کیفری اسلامی و بررسی جایگاه آن در نظام حقوقی ایران در دو دوره قانونگذاری می‌پردازد. از سال ۱۹۰۶ تا ۱۹۷۹ و از آن زمان تا به امروز. حوزه‌های اصلی مورد توجه مقاله، تحلیل تاریخ قانون‌گذاری حقوق کیفری اسلامی در طول سه دهه گذشته و مقایسه قوانین مجازات اسلامی ۱۹۹۱ و ۲۰۱۳ است. با برشمردن نتایج مقایسه بین مقررات مشابه در دو کد به پایان می‌رسد.

**واژه‌های کلیدی:** حقوقی - کیفری، قانون، حقوق کیفری، تاریخ قانون‌گذاری، حقوق جزا.

## مقدمه

منابع حقوق جزا در اسلام از مباحث علم حقوق بوده و شامل چهار منبع می‌شود: اول قرآن که مهم‌ترین منبع حقوق جزا در اسلام است، دوم سنت که مراد از آن گفتار و کردار و تقریر معصوم است، سوم اجماع به معنی اتفاق نظر صاحب نظران حقوق اسلامی در حکم مسأله‌ای را در عصر غیبت حضرت ولی عصر (عجل‌الله‌فرجه‌الشریف) و چهارم حکم عقل که به وسیله آن احکام شرع استخراج و استنباط می‌گردد.

تلقی حقوق جزا در نظام حقوق مدنی و نظام کامن لا با درک آن در چارچوب سنت حقوقی اسلامی نسبتاً متفاوت است. این امر تا حدی به این دلیل است که حقوق جزا به عنوان یک شاخه حقوقی واحد و یکپارچه در منابع حقوق اسلامی تعریف نشده است.

در واقع حقوق جزای اسلام با قواعدی شکل گرفته است که به طور پراکنده در منابع حقوق اسلامی و بحث‌های متأخر فقه‌های مسلمان در تفسیر، توجیه و بسط آن احکام ذکر شده است. در حقوق کیفری اسلام دسته‌بندی‌های مختلف جرایم با معیارهای متفاوتی طبقه‌بندی شده‌اند، اما طبقه‌بندی غالب بر اساس مجازات‌های تعیین شده است. کتب سنتی فقه جرایم را در چهار دسته دسته‌بندی کرده‌اند که مجازات آن حدود، قصاص، دیه و تعزیرات است و برای هر دسته ویژگی‌های خاصی تعریف شده است.

دسته اول شامل جرایم خاص با مجازات‌های ثابت و تکلیفی است که در منابع اولیه حقوق اسلامی (یعنی قرآن و سنت) ذکر شده است. به آن مجازات‌های حدود می‌گویند. از نظر علمای شیعه و حنفی، این جنایات باید کاملاً یا غالباً نقض یک ادعای الهی باشد و از این رو «حقوق الله» یا «ادعای خدا» نامیده می‌شوند. قصاص یا قصاص دسته دوم است که به مجازات جرایم علیه بدن (آسیب بدنی) و جنایت علیه شخص (قتل) مربوط می‌شود. بر اساس قوانین اسلام، شخصی که عمداً دچار جراحات و صدماتی که منجر به قطع اعضای بدن، ایجاد جراحت و کوری شده باشد، حق قصاص دارد و مجازات اعدام را می‌توان از طریق قصاص قتل عمد به درخواست ورثه قربانی - به استثنای همسر - اعمال کرد [۱]

دسته سوم شامل جرائمی است که مستوجب دیه یا غرامت مالی است. این دسته از مجازات‌ها در مواردی اعمال می‌شود که عمل سهوی یا نیمه عمدی موجب صدمه بدنی یا فوت شود یا در مواردی که عمداً ایجاد شده باشد ولی حکم قصاص صادر نشده باشد. دسته آخر شامل سایر اعمال گناه یا حرام شرعی است که از شمول سه دسته دیگر خارج است و موجب تعزیرات یا مجازات اختیاری می‌شود.

## تقسیمات جزای اسلامی

برای گناهان اسلامی در کتاب‌های فقهی کیفرهای زیر آمده‌است:

حدود (جمع حد): گناهان و جرائم مهمی که شارع اسلام برای آن‌ها جزا (کیفر) در نظر گرفته شده‌است عبارتند از: زنا، سحر - قیاده، قذف، نوشیدن مسکرات، دزدی، محاربه، ارتداد.

تعزیرات: کیفرهایی هستند که کم‌وکیف آن‌ها از طرف شارع اسلام تعیین نشده‌است، و به حاکم شرع اجازه داده‌است که به مصلحت خویش مرتکب گناه را تادیب کند.

قصاص: عبارت است از انتقام بدنی از کسی که جنایتی را به صورت عمد و عدوان مرتکب شده‌است.

دیات (جمع دیه): غرامت و خسارت مالی را که شخص مرتکب در جنایتها و صدمات غیر عمدی باید بپردازد دیات می‌گویند.

## برخی دیدگاه‌ها در فلسفه حقوق جزا

### ۱. انتقام

اما حکمت وضع قوانین جزایی یا کیفری چیست؟ آیا این قوانین، قوانین ثابتی‌اند؟ این قوانین تا چه اندازه باید سخت‌گیرانه و تا چه اندازه باید انعطاف‌پذیر باشند؟ این‌ها مسائلی است که به فلسفه حقوق جزا مربوط می‌شوند.

یکی از نظریات در باب فلسفه حقوق جزا این است که فلسفه قوانین جزایی انتقام گرفتن از متخلف است؛ یعنی وقتی جامعه‌ای قوانینی را پذیرفت تخلف از آن قوانین در واقع دهن‌کجی به جامعه، واضعین آن قانون، متصدیان امر و مصالح امت است و این باعث خشم سایر مردم می‌شود. بنابراین کسانی که این قانون به نفع آن‌هاست در صدد انتقام از متخلفان برمی‌آیند. پس فلسفه حقوق جزا انتقام از متخلف است.

### ۲. فقط بازدارندگی

نظریه دیگر این است که فلسفه حقوق جزا عمدتاً بازدارندگی است؛ یعنی وقتی کسی تخلف می‌کند او را مجازات می‌کنند تا دیگران پند بگیرند و از شیوع فساد جلوگیری شود. پس اصل قانون جزا برای جلوگیری از شیوع تخلف است. مثلاً وقتی اسلام می‌گوید: دست دزد را ببرید برای این است که وقتی افراد جامعه، دست‌بریده او را ببینند دیگر رغبت به دزدی پیدا نکنند.

این مبانی و مبانی دیگری که مطرح شده به دنبال خود لوازمی دارد که امروزه در دانشگاه‌ها حتی در همین دانشکده‌های حقوق کشور جمهوری اسلامی انقلابی ما هم مطرح می‌شود و کسانی بر اساس آن‌ها نسبت به احکام اسلام بی‌توجهی و گاهی حتی اظهار مخالفت می‌کنند.

به عنوان نمونه یکی از کسانی که اگر اسم ببرم شاید اکثر شما او را بشناسید و تعجب کنید که چنین حرف‌هایی می‌زند، مقاله‌ای نوشته است و در آن تصریح می‌کند که: «اصل در قوانین جزا بازدارندگی است. بنابراین در هر زمانی باید ببینیم با چه روشی بهتر می‌توان جلوی گناه را گرفت. در زمان پیغمبر (ص) بهترین راه برای پیش‌گیری از دزدی، بریدن دست دزد بود. اما امروز شرایط جامعه ما تغییر کرده است و ممکن است از راه دیگری بتوان جلوی دزدی را گرفت؛ یعنی می‌توان فلسفه این قانون را از راهی دیگر تأمین کرد. ما باید به فکر راه‌هایی باشیم که با فرهنگ و شرایط اجتماعی ما مناسب‌تر باشد!» این را عرض کردم که بدانید این مسأله خیلی جدی است و از اوایل انقلاب گروه‌هایی از جمله گروهک منافقین رسماً و صریحاً چنین نظراتی را ابراز می‌کردند [۲]

## مبانی فلسفی حقوق جزا از دیدگاه اسلام

### الف) مبانی الهیاتی

سوال این است که واقعاً فلسفه حقوق جزا از نظر اسلام چیست؟ آن چه در مکاتب فلسفی دنیا مطرح می شود همه ناظر به زندگی انسان در این دنیا و آثار و لوازم آن هستند. در هیچیک از مکاتب فلسفه حقوق که امروز در دنیا مطرح است نه صحبتی از خدا به چشم می خورد و نه صحبتی از آخرت. در این مکاتب، اصل، امنیت و رفاه در زندگی دنیاست و چیز دیگری مطرح نیست.

ما بر اساس اسلام فلسفه حقوق خاصی داریم و مجبور نیستیم که مبانی یکی از مکاتب حقوقی دنیا را بپذیریم. این مسائل یک مبانی الهیاتی دارد و یک مبانی انسان شناختی. اساسی ترین اصل در اسلام اعتقاد به خدای یگانه و ضرورت اطاعت از اوامر اوست. محل اثبات این اصل کلام و فلسفه است؛ ولی در مبانی حقوق اسلامی این اصل به عنوان یک اصل موضوع پذیرفته شده است و همه اصول به نحوی با آن ارتباط پیدا می کنند.

### ب) مبانی انسان شناختی

همچنین مادامی که ما انسان را تعریف نکنیم و کمال و نقص و سعادت و شقاوتش را نشناسیم نمی توانیم درباره وظایف و اختیارات و حقوق او بحث کنیم. در مبانی انسان شناختی ما معتقدیم که انسان فقط موجودی نیست که از مادر متولد می شود و بعد هم در قبر دفن می شود.

در حقیقت عمر انسان بی نهایت است. زندگی دنیا بخش کوتاهی از زندگی انسان و بخش جنینی دوم اوست. وقتی نطفه انسان منعقد می شود نه ماه در شکم مادر است و در آن جا هیچ اختیاری از خود ندارد. بعد حدود نود سال اندکی کمتر یا بیشتر، دوره جنینی دیگری را می گذرانند؛ اما در این دوران باید خودش خودش را بسازد. بعد از این دوران، تازه زندگی حقیقی او شروع می شود که قرآن درباره آن می فرماید: يَقُولُ يَا لَيْتَنِي قَدَّمْتُ لِحَيَاتِي؛

و نیز می فرماید: وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِیَ الْحَيَوَانُ. از این منظر زندگی دنیا مقدمه ای برای زندگی ابدی انسان است. این نگرش نسبت به انسان در حقوق، در اخلاق، در ارزش ها و ... اثر می گذارد، همان طور که اگر کسی معتقد باشد حیات انسان بیش از همین زندگی دنیایی نیست (مَا هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا وَمَا يُهْلِكُنَا إِلَّا الدَّهْرُ) این نگرش او در حقوق، اخلاق، ارزش ها و ... اثر می گذارد.

بر اساس دیدگاه اسلام، خدای متعال انسان ها را آفریده تا به کمال برسند. اما این کمال از مسیر اختیار حاصل می شود. به ناچار باید دو راه وجود داشته باشد؛ یکی راه کمال و دیگری راه سقوط. خدا انسان را در این عالم آفریده است تا بر سر دوراهی ها قرار گیرد و خودش راهش را انتخاب کند.

خاصیت این عالم این است که دائماً انسان سر دوراهی ها و چندراهی ها قرار می گیرد و باید یا راه حلال را انتخاب کند یا راه حرام را. قرآن می فرماید: اصلاً فلسفه وجود زندگی انسان در عالم دنیا همین است؛ خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا.

حال خداوند متعال چگونه باید زمینه تکامل انسان ها را فراهم کند؟ برای این منظور باید آن ها را هدایت کند و به آن ها بگوید چه کاری خوب است و چه کاری بد. اگر هدایت الهی نباشد شاید اکثریت قریب به اتفاق و شاید هم همه انسان ها گمراه شوند. از جمله هدایت های الهی همین قوانین تشریعی است که مبین این است که چه کاری جایز، چه کاری واجب و چه کاری ممنوع است.

اصل جهان بینی ما این است که اگر کسی از این قوانین تخلف کرد جزای آن را در عالم دیگر می بیند. دنیا دار امتحان است و جزا و پاداش در عالم دیگر داده خواهد شد. ولی خدای متعال از روی رحمت و واسع خود سنت دیگری را هم قرار داده است.

بعضی از گناهان این گونه‌اند که اگر گناه کار در دنیا بخشی از عقوبتش را ببیند این عقوبت دن یوی برای او و احیاناً برای دیگران رحمت خواهد بود. قرآن می‌فرماید: «وَمَا أَصَابَكُمْ مِّنْ مُّصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ» هر مصیبتی به شما می‌رسد بخاطر اعمالی است که انجام داده‌اید، و خدا بسیاری را عفو می‌کند.»

اما چرا خدا این سختی‌ها را در دنیا به وجود می‌آورد؟ می‌فرماید: «لِيَذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ» ما بعضی از آثار گناهانشان را در همین دنیا به آن‌ها می‌چشانیم تا شاید هم خودشان و هم دیگران تنبه پیدا کنند و از آن گناهان دست بردارند.»

پس فلسفه این که خدا عقوبت برخی از گناهان را در این عالم می‌دهد، نه انتقام‌گیری از دیگران است و نه صرفاً برای بازدارندگی است که در نتیجه به هر کیفیتی حاصل شود مطلوب باشد؛ بلکه در درجه اول عقوبت آن عمل است تا مقداری از عقوبت آخرت کم شود و ثانیاً برای این است که وسیله تنبه گناه کار و دیگران شود تا ببینند کار بد چه قدر ضرر دارد. این عقوبت موجب می‌شود که هم خودشان و هم دیگران مرتکب آن گناه نشوند [۳]

### فلسفه حقوق جزا از دیدگاه اسلام

از این‌جا فلسفه حقوق جزا در اسلام بر اساس این مبانی به دست می‌آید و آن این است که مجازات کردن متخلفان برای این است که در ضمن این که از عقوبت آخرتشان کاسته شود، هم خودشان هم دیگران آثار بد آن را ببینند و دیگر مرتکب آن تخلف نشوند (نَكَالًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهَا وَمَا خَلْفَهَا وَمَوْعِظَةً لِّلْمُتَّقِينَ).

خدا از باب رحمت و اسعاش مقداری از نتیجه اعمال را در این عالم نشان می‌دهد تا انسان‌ها با دیدن آثار اعمال بد تنبه پیدا کنند و با دیدن آثار اعمال خوب تشویق به انجام آن‌ها شوند (وَأَتَيْنَاهُ أَجْرَهُ فِي الدُّنْيَا وَإِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ).

بر اساس این بینش الهی، فلسفه حقوق جزا معلوم می‌شود. کسانی که غرب زده‌اند و نمی‌توانند در مقابل آن‌ها مقاومت کنند مبانی دیگری را مطرح می‌کنند و می‌گویند: «فلسفه این قوانین صرفاً بازدارندگی است؛ پس بازدارندگی از هر راهی حاصل شود خوب است و لزومی ندارد حتماً از راه قوانین جزایی اسلام باشد!»

اما ما معتقدیم که فلسفه حقوق جزا از دیدگاه اسلام را باید با توجه به این مبانی هستی‌شناسانه و انسان‌شناسانه تبیین کرد نه صرفاً از مبانی غربی تقلید کنیم که مبانی‌ای ماتریالیستی و فردگرایانه یا لذت‌گرایانه است.

### تفاوت حدود و تعزیرات با دیات و قصاص

توجه به مقدمه دیگری هم ضروری است که به آن اشاره کوتاهی می‌کنم. تخلفات به دو بخش کلی قابل تقسیم است؛ یک بخش تخلفاتی است که به حقوق انسان‌های دیگر مربوط می‌شود و یک بخش تخلفاتی است که با حق خداوند متعال ارتباط پیدا می‌کند؛ یعنی انسان با ارتکاب این تخلف از حوزه بندگی خدا خارج شده و گویا اعلان جنگ با خدا کرده است. به تعبیر دیگر این تخلفات یا حق الناس است یا حق الله.

برای تخلفاتی که مربوط به حق الله است احکامی ثانوی وضع شده است که به آن حدود و تعزیرات می گویند. مقصود از ثانوی در این جا یعنی احکامی که ناظر به احکام دیگر است و این اصطلاح خاصی است، و به احکامی که برای تخلفات مربوط به حق الناس وضع شده است قصاص و دیات می گویند.

این دو باب خیلی شبیه به هم اند؛ اما با هم فرق دارند. در قصاص اگر صاحب حق از حق خود بگذرد دیگر حکم اجرا نمی شود. اما تخلف از حق الله مثل شرب خمر و زنا احکام جزایی اش حق کسی نیست که ببخشد [۴]

اگر کسی مورد تجاوز هم قرار گرفته باشد و بگوید: من بخشیدم، دادستان نمی تواند متخلف را ببخشد. او باید حکم خدا را اجرا کند. حق الله مصالح عام جامعه اسلامی است که مدعی خصوصی ندارد. در این جا خداست که حکم می کند و حکمش هم قطعی است. فرمایش حضرت زهراسلام الله علیه ناظر به تخلفاتی است که به حقوق مردم مربوط می شود و ناظر به همه احکام جزا نیست.

حضرت می فرماید: «وَالْقِصَاصُ حَقًّا لِلدِّمَاءِ؛ خداوند قصاص را برای جلوگیری از خونریزی قرار داده است.» همه ما یقین داریم که اگر قاتل در دادگاه محکوم به اعدام شود و ولی دم تقاضای اعدام کند و این حکم در حضور مردم اجرا شود جلوی درصد زیادی از قتل ها گرفته می شود.

وقتی در یک نهاد، مجرمی مجازات می شود تا مدت ها آن نهاد یا آن دستگاه بیمه می شود. در محیط بزرگ جامعه کشتن یک انسان بی گناه از نظر قرآن مثل کشتن همه انسان هاست؛ مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا. درد چنین گناه عظیمی با حبس کردن و پذیرایی در زندان دوا نمی شود.

### قصاص حافظ حیات انسان

برخی چنین سفسطه می کنند که «مجازات اعدام با کرامت انسان و حق حیات او منافات دارد!» این سخنان پوچ است و همه می دانند که برای حفظ امنیت جامعه، کسی که مرتکب قتل نفس شده باید قصاص شود و به این وسیله است که جان دیگران محفوظ می ماند. قرآن می فرماید: وَ لَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ؛ ۹ اگر عقل داشته باشید می فهمید که قانون قصاص جان شما را حفظ می کند.

اگر شما برای حیات انسان ارزش قائلید راه حفظ حیات انسان قصاص است. اگر قاتل را نکشید فردا صدها نفر کشته می شوند و هزاران جنایت رخ می دهد.

مادامی انسان کرامت دارد که حق را رعایت کند. انسانی که با خدا اعلان جنگ کند به اندازه حیوان هم ارزش ندارد. قرآن می فرماید: إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَالْمُشْرِكِينَ فِي نَارِ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا أُولَئِكَ هُمْ شَرُّ الْبَرِيَّةِ؛

این ها پست ترین مخلوقات اند. این ها چه کرامتی دارند؟ کسی که با خدا اعلان جنگ می کند با مصالح همه انسان ها دشمنی می کند. چنین کسی چه کرامتی دارد؟ بنابراین اگر کسی برای حیات انسان ارزش قائل باشد باید از اجرای قانون قصاص حمایت کند. از این روست که حضرت زهراسلام الله علیه می فرماید: و جعل القصاص حقنا للدماء [۶]

### حقوق جزای اسلامی در نظام حقوقی ایران



ایران در قرن بیستم به دلیل دو انقلاب که منجر به تحولات اساسی در نظام سیاسی و حقوقی ایران شد، شاهد دوره های مختلف قانون گذاری با رویکردهای متفاوت بوده است. جایگاه حقوق اسلامی و به طور خاص حقوق جزای اسلامی در نظام حقوقی ایران در هر عصر تغییرات قابل ملاحظه ای داشته است. برای درک درست تغییرات در هر دوره، بررسی کلی تاریخ قانون گذاری کیفری با تاکید بر جایگاه حقوق جزای اسلامی در هر دوره حائز اهمیت است. علاوه بر این، این بررسی به ما کمک می کند تا ریشه های تغییرات را پیدا کنیم، دلایل و منطق پشت آن را درک کنیم و در نهایت تغییرات اخیر را با توجه به پیشینه تاریخی آنها تحلیل کنیم.

## ۱. حقوق جزای اسلامی قبل از انقلاب ۱۳۵۷

لازم به ذکر است که استقرار نظام حقوقی در ایران به مفهوم مدرن آن به اوایل قرن بیستم بازمی گردد. به عنوان پیامد انقلاب مشروطه (۱۹۰۵-۰۶). تا آن زمان، حداقل دو نوع قضاوت موازی در امور کیفری در کشور انجام شده بود. نوع اول در محاکم شرعی انجام می شد که قاضی - که از علمای حقوق اسلامی نیز بود - به جرایم چهارگانه فوق الذکر رسیدگی می کرد و تصمیم خود را بر اساس احکام (قوانین) حقوق جزا اسلام می گرفت. دادگاه های نوع دوم مستقیماً زیر نظر دولت مرکزی یا استانی کار می کردند و به پرونده ها با جنبه های عمومی یا سیاسی مانند جنایت علیه دولت، ایجاد بی نظمی، امتناع از پرداخت مالیات و تماس با بیگانگان رسیدگی می کردند.

انقلاب مشروطه به این نظام دوگانه پایان داد و منجر به تأسیس مجلس و نظام قضایی نیمه سکولار مدرن در ایران شد. اگرچه طبق ماده ۱ متمم قانون اساسی، اسلام شیعه مذهب رسمی کشور بوده و در اصل ۲ مقرر شده است که قوانین باید منطبق با مذهب کشور باشد، اما این مقررات تأثیر قابل توجهی در قوانین کیفری نداشته است. این در حالی است که قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۰۰ مجلس اول، اولین قانون کیفری در نظام حقوقی ایران محسوب می شود.

قانون جزای عرفی - یک قانون جزایی سکولار - اولین قانون جزایی ایران است که به طور آزمایشی با فرمان شورای وزیران در سال ۱۹۱۶ به تصویب رسید. این قانون مدت زیادی اجرا نشد و تنها چند روز پس از انتقال سلطنت از قاجار به سلطنت پهلوی در سال ۱۹۲۵، با قانون مجازات عمومی جایگزین شد.

هم چارچوب و هم مضمون قانون جزای عمومی ۱۹۲۵ (از این پس "قانون ۱۹۲۵") تا حد زیادی از سیستم فرانسه و قوانین ناپلئونی الهام گرفته شده است. از این رو، جرایم بر اساس هنجارهای سکولار شناسایی و طبقه بندی می شدند. طبق ماده ۱ قانون ۱۹۲۵، مجازات تعیین شده «حفظ نظم در کشور و اداره دادگاه های دادگستری» بود. در همین ماده، قانون ۱۹۲۵ به مجازات های حقوق جزا اسلامی به طور کلی اشاره کرده است و می گوید که جرایم «بر اساس موازین اسلامی بررسی و کشف می شود» مشمول مجازات حدود و تعزیرات قانون جزای اسلامی است. با این حال، وضعیت دادگاه های شرعی در طول دهه ها وضعیت بی ثباتی را تجربه کرد پس از لغو آنها در سال ۱۹۷۳، با حذف ماده مربوط به تعقیب شرعی از صورت اصلاحی ماده ۱، اعمال قوانین جزایی اسلام به طور رسمی از نظام حقوقی ایران حذف شد [۷]

## ۲. حقوق جزای اسلامی پس از انقلاب ۱۳۵۷

انقلاب ۱۳۵۷ نه تنها نظام سیاسی ایران، بلکه اساس و هنجارهای قانونگذاری کشور را نیز تغییر داد. از نظر اولین رهبر جمهوری اسلامی ایران، آیت‌الله خمینی، فقط در یک حکومت کاملاً اسلامی می‌توان عدالت «حقیقی» را اجرا کرد. همانطور که در کتاب «حکومت اسلامی» (۱۹۷۱) نیز آمده است: «مجموعه قوانین اسلامی که در قرآن و سنت وجود دارد، مورد قبول مسلمانان قرار گرفته و آنها را شایسته اطاعت دانسته اند».

بر این اساس، قانون اساسی ۱۹۷۹ (از این پس قانون اساسی) تاکید می‌کند که همه نوع قانون گذاری باید با موازین اسلامی منطبق باشد.

برای اطمینان از این انطباق، قانون اساسی تشکیل شورای نگهبان را پیش بینی کرده است. هیئتی متشکل از فقها (مجتهدین) و فقها (وکلا) که وظیفه نظارت بر انطباق مصوبات مجلس با فقه شیعه دوازده امامی و خود قانون اساسی را بر عهده دارد. بر خلاف رویه قوه مقننه بر اساس متمم قانون اساسی ۱۹۰۶، مطابقت قوانین با موازین اسلامی در قانون اساسی پس از ۱۹۷۹ برای قوه مقننه هدف قرار گرفت. و شورای نگهبان نه تنها این ضوابط را در قوانین مصوب ۱۳۵۸ اعمال کرد، بلکه سعی کرد در قوانین مصوب قبلی نیز در همین راستا تجدید نظر کند.

در اولین قدم، مجموعه ای از قوانین جزایی اسلامی با الهام از فقه شیعه در سه لایحه جداگانه در سال ۱۹۸۲ به تصویب رسید. «قانون حدود و قصاص و سایر احکام مربوطه» در مرداد، «قانون راجع به مجازات اسلامی مشتمل بر احکام کلی» در مهرماه و سرانجام «قانون دیه» در آذرماه ۱۳۶۱ به تصویب رسید.

این سه لایحه به عنوان قوانین آزمایشی برای یک دوره ۵ ساله به تصویب رسید. در تیرماه ۱۳۷۰ این سه قانون با اصلاحات جزئی ترکیب شد که قانون مجازات اسلامی مشتمل بر چهار کتاب در کلیات حدود، قصاص و دیات را تشکیل داد. کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی (مجلس/مجلس از این پس مجلس) قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۷۰ (از این پس قانون ۱۳۷۰) را طبق اصل ۸۵ قانون اساسی به صورت آزمایشی برای مدت موقت ۵ سال تصویب کرد.

قوانین مربوط به تعزیرات مسیر کاملاً متفاوتی را تجربه کرده است و تدوین در این زمینه به دلیل عدم شفافیت در ماهیت، تعریف و قلمرو جرایم تعزیرات در حقوق جزا، برای قانونگذار ایران چالش برانگیزتر بوده است. اولین لایحه تعزیرات «قانون احکام تحکیم تعزیرات» در مرداد ۱۳۶۲ به تصویب رسید.

قانون تعزیرات ۱۹۸۳ در تعریف جرایم از چارچوب قانون ۱۹۲۵ پیروی می‌کرد، اما اکثر مجازات های مرسوم مانند جزای نقدی و حبس با مجازات شرعی شلاق جایگزین شد. علاوه بر این، تعدادی از جرایم جدید از جمله موارد مربوط به پوشش زنان و رفتار اخلاقی توسط قانون تعزیرات ۱۹۸۳ معرفی شد.

در اردیبهشت ۱۳۷۵ لایحه جدیدی در خصوص تعزیرات به تصویب مجلس رسید. بر اساس فتوای (فرمان دینی) آیت الله خمینی، قانون تعزیرات ۱۹۹۶ مجازات هایی مانند جزای نقدی و حبس را برای برخی از جرایم تعزیراتی احیا کرد و مجازات برخی از جرایم را جایگزین شلاق کرد.

قانون تعزیرات ۱۹۹۶ به عنوان کتاب پنجم در قانون ۱۹۹۱ گنجانده شد و دوره موقت قانون ۱۹۹۱ برای ده سال دیگر تا سال ۲۰۰۶ تمدید شد [۸]



### ۳. دلایل تصویب قانون مجازات اسلامی جدید

پس از انقلاب ۱۳۵۷ مجلس شورای ملی جایگزین مجلس شورای اسلامی شد. فقدان تجربه قوه مقننه از یک سو و تازگی در تدوین قوانین جزایی اسلامی از سوی دیگر، کار تدوین لوایح را بسیار چالش برانگیز کرده است. علاوه بر این، تقاضا برای جایگزینی سریع قانون ۱۹۲۵ با قوانین مبتنی بر شریعت، فشار مضاعفی را بر تدوین کنندگان وارد کرده بود. در این شرایط، لوایح قوانین سال ۱۳۶۱ - که بعداً به قانون ۱۳۷۰ تبدیل شد - در مدت کوتاهی و بدون مراقبت و توجه کافی در بخش‌های خاصی تهیه شد. قانون مقررات عمومی ۱۹۸۲ - که بعداً اولین کتاب قانون ۱۹۹۱ شد - آمیخته ای از احکام منطبق با شرع کتاب اول قانون ۱۹۲۵ (با اصلاحات ۱۹۷۳) و احکام استخراج شده از منابع فقهی شیعه در مورد مفاهیم کلی و اصول حقوق جزای اسلامی بود. در نتیجه، اولین کتاب قانون ۱۹۹۱ متنی هماهنگ و منسجم بود. بلکه ترکیبی از مقررات الهام گرفته از حقوق جزای عمومی فرانسه و حقوق جزای اسلامی است که در برخی موارد مختصر و مبهم و در برخی موضوعات ساکت بود. عدم انسجام و حتی بی نظمی در کلیات زمانی آشکارتر می شود که مشاهده کنیم برخی از احکام متعلق به کلیات در سایر کتاب های قانون ۱۳۷۰ گنجانده شده است.

این تا حدودی به این دلیل است که کتاب دوم قانون ۱۹۹۱ - که در اصل قانون حدود و قصاص ۱۹۸۲ بود - قبل از تصویب مبنای کتاب اول - قانون مقررات عمومی ۱۹۸۲ - به تصویب رسید.

علاوه بر اشکالات مذکور در روند تدوین قوانین سال ۱۳۶۱ که در مفاد کتابهای دوم، سوم و چهارم قانون حدود ۱۳۷۰ نیز منعکس شده است. در مجازات های قصاص و دیه، مشکل روش شناختی عدم انطباق با موازین تدوین قوانین جزایی در قسمت های مختلف آن کتاب ها مشاهده می شود. این مشکل، یک موضوع کد نویسی مورد محور، می تواند در برخی از مواد منفرد قانون ۱۹۹۱ که به یک مورد بسیار خاص می پردازد، شناسایی شود. در واقع تعدادی از مواد قانون حدود و قصاص ۱۳۶۱ و قانون دیات ۱۳۶۱ - که بعداً در کتاب های دوم، سوم و چهارم به صورت مفاد درآمد - از کتب فقهی شیعه (کتاب فقه) یا فتاوی علمای شیعه استخراج شده بود.

این کتب فقهی به طور سنتی در مورد هر موضوع با بیان حدیث مربوط، موارد مختلف ممکن در آن موضوع و حکم هر مورد بحث می کنند. در نتیجه در برخی موارد، یک حدیث مشمول یکی دو ماده از قانون ۱۳۷۰ می شود. همانطور که اشاره شد، پس از گنجاندن قانون تعزیرات ۱۳۷۵ به عنوان کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی، دوره موقت قانون سال ۱۳۷۰ تا اسفند ۱۳۸۵ تمدید شد که متعاقباً توسط مجلس به صورت سالیانه تا اسفند ۱۳۹۰ تمدید شد.

این تمديد‌های دوره ای در طول سه دهه گذشته نشان می دهد که قانون ۱۹۹۱ - حتی با امکان اصلاحات جزئی - قانون مناسبی برای تصویب دائمی نبود. بنابراین اختلال و ایرادات فوق در شکل و محتوای قانون مصوب ۱۳۷۰، که به دلیل مشکلات و معضلاتی که در رویه دادگاه ها تجربه می کردند، تشدید شده بود، عملاً یک بازنگری اساسی در قانون، در قالب لایحه ای جدید، به جز اجتناب ناپذیر، انجام داده بود [۹]

### ۴. تاریخچه تقنینی قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲

قانون تمدید مهلت موقت قانون سال ۱۳۷۰ قوه قضائیه را موظف می کند تا لایحه جدید قانون مجازات اسلامی را که توسط کمیسیون تلفیق قوه قضائیه تهیه شده بود، ظرف مدت سه ماه به مجلس ارائه کند. بر اساس سوابق مجلس، وصول این لایحه در خرداد ۸۷ اعلام شد.

این لایحه در فاصله آذرماه ۱۳۸۸ تا دی ماه ۱۳۹۱ بارها به تصویب مجلس رسید و برای تصویب به شورای نگهبان ارسال شد که به دلیل مغایرت با شرع برای بررسی بیشتر و اصلاح در همه موارد به مجلس ارسال شد. پس از اصلاح این لایحه در راستای نظرات شورا، این قانون نهایتاً در دی ماه ۱۳۹۱ به تصویب رسید و در تاریخ ۱۹ فروردین ۱۳۹۱ برای امضاء و انتشار به رئیس جمهور ارسال شد. در مهر ۱۳۹۱، قبل از اینکه این قانون توسط رئیس جمهور امضا شود، به دلیل آنچه که آنها «عدم انطباق با شرع در ۵۲ مورد» می دانستند، توسط شورای نگهبان فراخوان شد که اقدامی بسیار نادر و در واقع بی سابقه بود.

این قانون آخرین بار در فوریه ۲۰۱۳ توسط پارلمان اصلاح شد و برای دومین بار در ۱ مه ۲۰۱۳ توسط شورا تصویب شد. سرانجام در تاریخ ۶ اردیبهشت ۱۳۹۲ به امضای رئیس جمهور و در روزنامه رسمی منتشر شد و در تاریخ ۲۱ خرداد ۱۳۹۲ لازم الاجرا شد. با یادآوری این قانون، خلاصه پیشینه قانونگذاری قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ (از این پس قانون ۱۳۹۲) بیانگر میزان و شدت نظارت شورای نگهبان و حساسیت آن در این حوزه خاص حقوقی است. علاوه بر این، محدودیت‌هایی را نشان می‌دهد که قانونگذار ایران برای تغییر مقررات کیفری - چه اساسی و چه غیر آن - با آن مواجه است.

### نوآوری ها و معرفی مجدد

قانون ۲۰۱۳ شامل ۷۲۸ ماده در چهار کتاب کلیات، حدود، قصاص و دیات است. قانون تعزیرات ۱۹۹۶ - شامل قانون جرایم رایانه ای (مصوب در ژوئیه ۲۰۰۹) - به عنوان کتاب پنجم در قانون مجازات اسلامی جدید گنجانده شده است. در میان چهار کتاب تازه تصویب شده آیین نامه ۲۰۱۳، تغییرات اصلی را می‌توان در کلیات یافت - که قبل از بررسی تغییرات محتوای کتاب دوم و چهارم با جزئیات بیشتر مورد بحث قرار خواهد گرفت. در نهایت، باید اضافه کرد که کتاب قصاص تغییر قابل توجهی نداشته است، مگر اینکه در مقایسه با کتاب سوم قانون ۱۹۹۱ طبقه بندی شده تر به نظر می‌رسد.

### ۱. کلیات

همانطور که قبلاً اشاره شد، اولین کتاب قانون سال ۱۹۹۱ از مشکلات جدی رنج می‌برد و جای تعجب نیست که اساسی ترین تغییرات را می‌توان در کلیات کد سال ۲۰۱۳ یافت. بررسی روند تهیه آیین نامه نشان می‌دهد که تدوین کنندگان سعی کرده اند با در نظر گرفتن تجربه و درس های به دست آمده از اجرای واقعی قانون ۱۹۹۱ توسط دادگاه ها، ایرادات کتاب اول را برطرف کنند. آنها همچنین سعی کرده اند تا قوانین و بخشنامه های مختلف حقوق جزا را تحت عنوان کلیات تدوین و تلفیق کنند. ضمناً احکام مربوط به کلیات که قبلاً در سایر کتب پراکنده شده بود به کتاب اول منتقل شده است. به طور کلی، اولین کتاب از کد ۲۰۱۳، در مقایسه با کد ۱۹۹۱، می‌تواند کمتر مبهم و عینی تر در نظر گرفته شود. قوانین با جزئیات بیشتری مورد بحث قرار گرفته اند، که به جلوگیری از تفسیرهای گسترده کمک می‌کند و همچنین استانداردهای قانونی بالاتر را برآورده می‌کند. افزایش قابل توجه تعداد مقالات در کتاب اول (از ۶۲ در سال ۱۹۹۱ به ۲۱۶ در سال ۲۰۱۳) این مشاهدات را تأیید می‌کند. علاوه بر تغییرات در قالب کتاب اول، محتوا نیز دستخوش بازنگری جدی شده است. که برخی از آنها را می‌توان به عنوان نوآوری های قانون ۲۰۱۳ یا حداقل، معرفی مجدد رویه ها، مکانیسم ها یا نهادهای حذف شده قبلی در نظر گرفت. یکی از این نوآوری ها در قانون ۲۰۱۳ مربوط به تشخیص مسئولیت کیفری برای اشخاص حقوقی است (ماده ۱۴۳). موضوع تفکیک مسئولیت کیفری شخص حقوقی از نماینده قانونی آن در

قانون سال ۱۳۷۰ در دادگاه ها مورد مناقشه بوده است. ضمناً برشمردن مجازاتها برای شخص حقوقی (ماده ۲۰) مجال بحث طولانی در مورد امکان مجازات اشخاص حقوقی را محدود کرده است. با این وجود، به نظر می رسد تغییرات در مجازات های تعزیرات و اقدامات تنبیهی و اصلاحی برای خردسالان - که در بخش بعدی بررسی می شود - در عمل تأثیر مهم تری دارد [۱۰]

## الف) تعزیرات

اگرچه قانون تعزیرات ۱۹۹۶ به عنوان کتاب پنجم در قانون ۲۰۱۳ گنجانده شد، اولین کتاب قانون ۲۰۱۳ قوانین خاصی را برای جرایم و مجازات های تعزیرات تعریف می کند. علاوه بر این، بین این قواعد و قواعد عمومی قابل اعمال برای هر چهار دسته از جرایم و مجازات ها تمایز قائل می شود. همانطور که قبلاً اشاره شد، تعریف جرایم تعزیرات در شریعت اسلامی نسبتاً گسترده است و کاربرد آن در اختیار قاضی است. بر خلاف قانون مصوب ۱۳۷۰، ماده ۱۸ قانون ۱۳۹۲ تعریفی را برای جرایم تعزیرات ارائه کرده است. ضمناً مجازات های تعزیرات را به احکام مذکور در قانون محدود می کند.

این ماده از مفاد ماده ۲ قانون ۱۳۹۲ و ماده ۳۶ قانون اساسی پیروی می کند که به ترتیب به اصل قانونی بودن، یک اصل شناخته شده حقوق بین الملل حقوق بشر اشاره می کند. همانطور که در بند ۲ ماده ۱۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده ۱۵ کنوانسیون بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و بند ۱ ماده ۷ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر تصریح شده است. طبقه بندی مجازات های تعزیرات را می توان به عنوان معرفی مجدد ابتکاری در قانون ۲۰۱۳ در نظر گرفت.

ماده ۷ قانون ۱۹۲۵ (با اصلاحات ۱۹۷۳) جرایم را به جنایات، جنحه و جرایم صغیر طبقه بندی کرد. از آنجایی که این طبقه بندی بر اساس قوانین جزایی اسلامی صورت نگرفته بود، در قانون ۱۹۹۱ به آن اشاره نشده بود. قانون ۲۰۱۳ یک طبقه بندی با اثرات مشابه با طبقه بندی در قانون ۱۹۲۵ را مجدداً معرفی می کند، اما فقط به مجازات های تعزیرات محدود می شود.

ماده ۱۹ قانون ۱۳۹۲ مجازات های تعزیرات را بر اساس شدت در ۸ درجه طبقه بندی کرده است. جالب توجه است که مجازات اعدام در ماده ۱۹ ذکر نشده است که فقدان آن را می توان منعکس کننده قصد قانونگذار در حمایت از تفسیری است که ادعا می کند جرایم تعزیرات مجازات اعدام ندارند.

یکی از مشکلات برجسته در قانون ۱۹۹۱ مربوط به حجم زیاد پرونده های دادگاه ها بود. در عمل، فقط تعداد نسبتاً محدودی از جرایم در نظام قضایی ایران مجازات حدود، قصاص و دیه دارند. اکثریت قریب به اتفاق پرونده ها مربوط به جنایات تعزیرات است. همچنین قواعد حقوق جزای اسلامی مربوط به مجازات های تعزیراتی است n در مقایسه با احکام حدود، قصاص و دیه از انعطاف بیشتری برخوردار است و قانونگذار از نظر تعریف قواعد در این حوزه از حقوق جزای اسلامی از اختیار بیشتری برخوردار است.

قانون ۲۰۱۳ سعی در حل این مشکل با اعمال نهادهای نرم افزاری مانند «مصافیت از مجازات» و «مجازات قبل از قضاوت» در موارد مجازات های جزئی تعزیرات دارد. قبلاً ماده ۲۲ قانون سال ۱۹۹۱ به قضات این اختیار را می داد که مجازات های تعزیری را تخفیف یا جایگزین کنند، اما مصافیت از مجازات در بین گزینه های موجود لحاظ نشده بود. در مقابل، ماده ۳۹ قانون ۲۰۱۳ توسل به مصافیت از مجازات را در موارد جزئی تعزیرات (رده های ۷ و ۸) در شرایط خاص مجاز می داند. یکی دیگر از ابداعات آیین نامه ۲۰۱۳ مربوط به موضوع مشروط شدن قبل از قضاوت است. در ماده ۴۰ قانون اساسی آمده است: در صورت اثبات جرم صغیر تعزیرات (قاضی مجازات دسته های ۶ تا ۸)، قاضی می تواند در شرایط خاص، مرتکب را از ۶ ماه تا ۲ سال مشروط کند. ماده ۴۵ قانون با توجه به رفتار متخلف در حین مشروط، دو راه برای قاضی در انقضای مدت مشروط پیش بینی کرده است. باید حکم محکومیت یا مصافیت از

مجازات صادر شود. افزایش قابل توجه در تعداد زندانیان - بدون ذکر هزینه های اجتماعی سنگین و متنوع - نیز به عنوان مشکلات عمده در قانون ۱۹۹۱ در نظر گرفته شد. به منظور کاهش اثرات منفی این مشکل، قانون ۲۰۱۳ رژیم های جایگزینی را که حبس را محدود می کنند، از جمله «حکم مشروط»، «حکم جایگزین» و «مجازات موقت» تقویت می کند [۱۱]

مواد ۳۸ تا ۴۰ قانون ۱۳۷۰ به حکم مشروط و شروط مربوطه پرداخته است که در مواد ۵۸ تا ۶۳ قانون ۱۳۹۲ به تفصیل مورد بحث قرار گرفته است. حکم جایگزین رژیم دیگری در این زمینه است که به طور جامع مشمول مواد ۶۴ تا ۸۷ قانون ۱۳۹۲ می باشد. همانطور که قبلاً اشاره شد، طبق ماده ۲۲ قانون ۱۳۷۰، قاضی این اختیار را داشت که در شرایط خاص مجازات های تعزیری را تخفیف یا جایگزین کند. بر اساس این ماده، رئیس قوه قضائیه در سال ۱۳۸۴ بخشنامه ای در خصوص مجازات جایگزین صادر کرد. فصل ۹ کلیات مجازات ها، در مورد مجازات جایگزین، این بخشنامه را با جزئیات بیشتر در قانون ۲۰۱۳ گنجانده است. بر خلاف دو رژیم دیگر، حکم منقطع (ماده ۵۶) یک رژیم بی سابقه در نظام حقوقی ایران است. شرایط اعمال این رژیم خاص در مواردی که مجرمان به دلیل مجازات های جزئی تعزیرات در زندان هستند (رده های ۵ تا ۷) در ماده ۵۷ قانون ۱۳۹۲ تعیین شده است.

همانطور که قبلاً اشاره شد، قسمت دوم کتاب یک در مورد کلیات مجازات ها است که در فصل یازدهم دلایل لغو مجازات ها را برشمرده است. علاوه بر به رسمیت شناختن اصل دارا، مؤسسات «نسخه» و «توبه» در قانون ۲۰۱۳ شاهد تغییرات بیشتری بوده است. برخلاف پذیرش عمومی نسخه نویسی در قانون ۱۹۲۵، قوانین حقوق کیفری پس از انقلاب تا سال ۱۹۹۹ این نهاد را به رسمیت نشناخته بود.

زمانی که ماده ۱۷۳ قانون آیین دادرسی کیفری (از این پس "قانون آیین دادرسی کیفری ۱۹۹۹") نسخه نویسی را - هرچند محدود به جرایم تعزیراتی - مجدداً معرفی کرد. ماده ۱۰۵ قانون ۱۳۹۲ در این خصوص پیروی از قانون آیین دادرسی کیفری سال ۱۳۷۸ است و مدت مقرر را برای هشت دسته از مجازات های تعزیرات تعیین می کند. توبه در ماده ۱۱۵ نیز زمینه دیگری برای بطلان مجازات صغیر تعزیرات است (مقوله ۶ تا ۸). همچنین این ماده به قاضی اجازه می دهد در صورت توبه مرتکب در مواردی که سایر مجازات های تعزیری در کار است، مجازات را تخفیف دهد. شایان ذکر است که توبه در قانون ۱۳۷۰ زمینه ای برای بطلان مجازات های حدودی شناخته شد. قانون ۲۰۱۳ اصل دراء را به عنوان یک اصل کلی حقوق کیفری اسلامی تصریح کرده و بر قابلیت اجرا آن در فرآیند لغو مجازات ها تاکید می کند. طبق ماده ۱۲۰، اعمال این اصل منحصر به بطلان مجازات نیست.

در واقع اصل دراء در حقوق جزای اسلام بسیار نزدیک به اصل برائت است. همانطور که توسط ماده ۳۷ قانون اساسی، ماده ۱۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر و ماده ۴۸ منشور حقوق اساسی اتحادیه اروپا به رسمیت شناخته شده است.

### ب) مجازات ها و اقدامات اصلاحی برای افراد صغیر

گذشته از تفاوت ناچیز بین قانون ۱۹۹۱ و قانون ۲۰۱۳ در زمینه سن مسئولیت کیفری، تفاوت بین این دو قانون در مورد مجازات اطفال و نوجوانان قابل توجه است. قانون ۱۹۲۵ (با اصلاحات ۱۹۷۳) مجرمان زیر ۱۸ سال را به عنوان خردسال در نظر گرفت. ماده ۳۳ قانون ۱۹۲۵ خردسالان را به دو گروه مجرمان طبقه بندی می کند. ۶-۱۲ و ۱۲-۱۸ قوانین خاصی را برای مجازات هر گروه تعریف کرد. زمانی که معیارهای عرفی با معیارهای شرعی جایگزین شد، ماده ۴۹ قانون ۱۳۷۰ سن بلوغ را به عنوان سن مسئولیت کیفری تعیین کرد، اما در مورد سن دقیق بلوغ سکوت کرد.

بر اساس دیدگاه غالب در فقه شیعه - همچنین منعکس شده در ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی ایران- سن بلوغ برای دختر ۹ سال قمری (۸ سال و ۹ ماه) و برای پسر ۱۵ سال قمری (۱۴ سال و ۷ ماه) است. اگرچه تبصره ماده ۲۲۰ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۷۸ دادگاه اطفال و نوجوانان را دادگاه صالح برای رسیدگی به دعاوی مجرمان بالغ کمتر از ۱۸ سال دانسته است.

هیچ تمایزی بین مجرمان صغیر بر اساس سن آنها وجود نداشت و مجرمان بالغ بر اساس قانون ۱۹۹۱ مسئولیت کیفری کامل داشتند - دقیقاً مانند بزرگسالان. قانون ۲۰۱۳ از چارچوب قانون ۱۹۹۱ پیروی می کند و در ماده ۱۴۶ بیان می کند که افراد نابالغ مسئولیت کیفری ندارند. اما برخلاف قانون ۱۳۷۰، ماده ۱۴۷ قانون ۱۳۹۲ سن دقیق ۹ سال قمری را برای دختران و ۱۵ سال قمری را برای پسران به عنوان سن بلوغ تعیین کرده است.

یکی از ابداعات اصلی قانون ۲۰۱۳ - که از برخی جهات می تواند به عنوان یک معرفی مجدد نیز تلقی شود - مربوط به ایجاد رژیم مجازات و اقدامات اصلاحی برای کودکان و نوجوانان است. فصل دهم از کلیات مجازات ها به این موضوع اختصاص دارد. ماده ۸۸، صغار مرتکب جرایم تعزیرات را در دو دسته مجرمان طبقه بندی می کند. ۹-۱۵ و ۱۵-۱۸ سال. علاوه بر این، رویکرد قوه مقننه در مورد مجازات مجرمان صغیر که مرتکب جرایم حدود یا قصاص می شوند نیز تحت قانون سال ۲۰۱۳ به طور قابل توجهی تغییر کرده است. در ماده ۹۱ قانون اساسی آمده است: در صورتی که صغیری که به سن بلوغ رسیده است، ماهیت جنایت حد یا قصاص یا ممنوعیت آن را درک نکند، باید به جای حدود یا قصاص، یکی از مجازات های جایگزین ذکر شده در باب ۱۰۴۴ اعمال شود.

یا اگر در رشد و کمال ذهنی او تردید وجود داشته باشد. در مورد جرایم دیه ارتكابی توسط افراد صغیر، مفاد قانون ۱۳۹۲ به دلیل جنبه جبرانی مجازات های دیه تفاوتی با مقررات قانون سال ۱۳۷۰ ندارد. ماده ۹۲ مقرر می دارد: هنگامی که صغیری که به سن بلوغ رسیده است به دیه و سایر غرامت ها وارد شود، دادگاه قواعد عمومی مندرج در کتاب دیه را اعمال می کند. اگرچه ماده ۱۴۷ قانون ۱۳۹۲ سنهای مختلفی را به عنوان سن مسئولیت کیفری برای جنس های مختلف تعیین کرده است، اما این تفاوت به طور کامل در مجازات آنها منعکس نمی شود. در واقع از نظر رابطه جنسیت مجرم صغیر با مجازات او، در تعزیرات بین دختر و پسر تفاوتی وجود ندارد و در مجازات های دیه تفاوت مطلق وجود دارد. رویکرد به حدود و قصاص تا حدودی متفاوت است؛ راه میانه ای دنبال می شود در صورت اعمال ماده ۹۱ به حدود و قصاص باز هم فرقی بین پسر و دختر نیست. اما زمانی که هیچ یک از شرایط ماده ۹۱ احراز نشود، قاعده کلی در مورد سن مسئولیت کیفری اعمال می شود و از این رو تأثیر جنسیت در مجازات مجرمان صغیر را منعکس می کند.

علاوه بر تلاش قوه مقننه برای کاهش تأثیرات تفاوت جنسیتی بر مجازات آنها، معیارهای اعمال شده برای تعریف صغیر مستحق بررسی است. قبلاً بحث شد که تعریف صغیر بر اساس معیار عرفی ۱۸ سال سن در قانون ۱۹۲۵ به طور کلی با تعریف شرعی از صغیر براساس معیار سن بلوغ در قانون ۱۹۹۱ جایگزین شد. قانون ۲۰۱۳، با این حال، یک رویکرد دوگانه در این زمینه اتخاذ کرده است. قانون ۲۰۱۳ از چارچوب قانون ۱۹۹۱ برای تعریف صغیر در ماده مربوط به مسئولیت کیفری پیروی می کند. ملاک سن بلوغ را اعمال می کند.

همزمان با تعریف «صغیر» در مجازات ها و اعمال معیار ۱۸ سال سن، سعی در کاهش آثار و پیامدهای منفی داشته است. - همانطور که در قانون ۱۹۲۵ وجود داشت و در ماده ۱ کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹ استفاده می شود. علاوه بر این، قانون ۲۰۱۳ با دسته بندی خردسالان در موارد تعزیرات به دو گروه از قانون ۱۹۲۵ پیروی می کند [۱۲]



## ۲. حدود

کتاب دوم کد ۲۰۱۳ شامل ۷۳ مقاله در مورد حدود است. کاهش قابل توجهی از ۱۴۱ ماده در قانون ۱۹۹۱. همانطور که در صفحات قبل اشاره شد، یکی از دلایل کاهش این است که مقررات مربوط به کلیات که در کتاب دوم قانون سال ۱۳۷۰ درج شده بود، به کتاب اول قانون سال ۱۳۹۲ منتقل شد. با این حال، دلیل مهم تری برای رویکرد «مینیمالیستی» قوه مقننه را می توان به دیدگاه آن در مورد اطلاق اصل قانونی بودن در مجازات های حدود نسبت داد. ماده ۱۵ قانون ۱۳۹۲ حد را مجازاتی بیان می کند که علت، نوع، میزان و نحوه اجرای آن شرعاً تعیین می شود. بر خلاف مواد ۱۶، ۱۷ و ۱۸ قانون ۱۳۹۲ که بر اطلاق اصل قانونی بودن در مجازات های قصاص، دیه و تعزیرات تأکید می کند، ماده ۱۵ مجازات حدود را محدود به قانون نمی کند، بلکه در شرع است. همچنین اصل ۲۲۰ مقرر می دارد که در جرایم حدود که در قانون ۱۳۹۲ ذکر نشده است، اصل ۱۶۷ قانون اساسی اعمال می شود. بر اساس اصل ۱۶۷ قانون اساسی، قضاوت از وظایف قاضی است و در صورت نبود قانون، قاضی موظف است با استناد به منابع معتبر اسلامی و فتوای صحیح، حکم خود را صادر کند. متن اصل ۲۲۰ جای هیچ گونه تردیدی در مورد قصد قانونگذار از عدم تطبیق اصل قانونی بودن در مورد مجازات های حدودی و یا هرگونه تفسیر محدود کننده اعمال مقررات اصل ۱۶۷ قانون اساسی در دعاوی مدنی باقی نمی گذارد.

یکی دیگر از مشاهدات کلی در مورد کتاب دوم قانون ۲۰۱۳ مربوط به افزایش تعداد جرایم حدود در مقایسه با قانون ۱۹۹۱ است. توهین به مقدسات (سب النبی) از نظر فقه شیعه از جنایات حد است که مجازات آن اعدام است. اگرچه در کتاب دوم قانون ۱۳۷۰ بیان نشده است، اما ماده ۵۱۳ قانون تعزیرات ۱۳۷۵ مجازات توهین به ارزش ها یا مقدسات اسلامی را در اسلام شیعی تعیین کرده و تلویحاً به مجازات توهین به مقدسات اشاره کرده است.

کتاب دوم قانون ۱۳۹۲ شامل فصلی (فصل پنجم) در مورد توهین به مقدسات است و ماده ۲۶۲ به صراحت جرم حد و مجازات مربوط به آن را تعریف کرده است. فصل ۷ از کتاب دوم قانون ۱۹۹۱ به «محاربه و افساد فی الارض» و مجازات مربوط به آنها پرداخته است. مواد ۱۸۳ تا ۱۸۸ تعدادی از جرایم «محاربه و افساد فی الارض» را شامل می شود که حد آن در مواد ۱۹۰ و ۱۹۱ تعریف شده است.

قانون ۲۰۱۳ به جای استفاده از اصطلاح کلی «محاربه و فساد فی الارض»، «محاربه»، «افساد فی الارض» و «باقی» (قیام) را به عنوان سه دسته مجزا از جرم تعریف کرده و برای هر یک مجازات حد مشخصی تعیین کرده است. به طور کلی، جرایم مندرج در مواد ۱۸۳ تا ۱۸۵ قانون ۱۳۷۰ در زمره «محاربه» طبقه بندی شده اند و مواد ۲۷۹ تا ۲۸۵ به تعریف و مجازات آن ها می پردازند. حتی اگر در قانون ۱۳۷۰ از واژه بقیع استفاده نشده باشد، جرایم مربوط در مواد ۱۸۶ تا ۱۸۸ قانون ۱۳۷۰ در مواد ۲۸۷ و ۲۸۸ قانون ۱۳۹۲ در ردیف «بقیع» طبقه بندی شده است. علیرغم این تغییرات در قالب و تفکیک بین این سه دسته از جرایم، تغییر اصلی در این زمینه به تعریف «افساد فی الارض» در ماده ۲۸۶ قانون ۲۰۱۳ مربوط می شود. جرایم جدیدی را معرفی می کند که قبلاً در کتاب دوم قانون ۱۹۹۱ ذکر نشده بود.



همچنین ماده ۲۸۶ مجازات «افساد فی الارض» را به اعدام محدود می کند که با مفاد مواد ۱۹۰ و ۱۹۱ قانون ۱۳۷۰ که به موجب آن قاضی چهار گزینه برای مجازات «محاربه و افساد در مورد» انتخاب می کرد متفاوت است. زمین» [۱۳]

### ۳. دیه

نابرابری بین میزان دیه برای یک مسلمان و یک غیرمسلمان، یک قاعده قدیمی در شریعت، و از این رو فقه شیعه در کتاب چهارم قانون ۱۳۷۰ یکی از چالش های اصلی در رویه دادگاه ها محسوب می شد. تا سال ۲۰۰۳، قانون ۱۹۹۱ هیچ ماده ای در مورد میزان دیه برای غیر مسلمانان نداشت. ماده ۲۹۷ فقط به میزان دیه مرد مسلمان اشاره کرده است. در فقدان مقررات قانونی در مورد میزان دیه برای غیر مسلمانان، قضات حکم فقه شیعه را در این مورد اعمال کردند. ماده ۲۹۷ قانون ۱۳۷۰ در سال ۱۳۸۲ بر اساس فتوای رهبر فعلی جمهوری اسلامی ایران حضرت آیت الله خامنه ای مبنی بر تساوی دیه مسلمانان و اقلیت های دینی اصلاح شد. بر اساس همین فتوا، ماده ۵۵۴ قانون ۲۰۱۳، دیه را برای مسلمانان و غیرمسلمانان مساوی تشخیص داده است. یعنی اقلیت های مذهبی به رسمیت شناخته شده در قانون اساسی.

نابرابری بین میزان دیه برای یک مرد و یک زن - که همچنین نشان دهنده طولانی ترین حاکمیت مستقر در شریعت و فقه شیعه است - یکی دیگر از نکات چالش برانگیز در عملکرد دادگاه ها تحت قانون ۱۹۹۱ بود. ماده ۵۵۰ قانون ۲۰۱۳ با عبارتی مشابه ماده ۳۰۰ قانون ۱۳۷۰، این قاعده کلی فقه شیعه را بیان می کند که میزان دیه زن مسلمان مقتول نصف دیه مرد مسلمان مقتول است. همچنین مشابه ماده ۳۰۱ قانون ۱۳۷۰، ماده ۵۶۰ قانون سال ۱۳۹۲ حکم کلی را در مورد میزان دیه زن در موارد صدمه بدنی که موجب فوت نمی شود، بیان می کند. بر اساس ماده ۵۶۰ دیه زن در موارد صدمه بدنی معادل دیه مرد است تا زمانی که یک سوم دیه کامل مرد و یک مرتبه بیشتر از آن باشد. نکته: میزان دیه زن به نصف دیه مرد می رسد.

مفاد ماده ۵۵۱ قانون ۱۳۹۲ نابرابری نسبی دیه زن و مرد را تا حدودی تغییر داده است. تبصره ماده ۵۵۱: «در کلیه موارد جنایت که مقتول مرد نباشد مابه التفاوت دیه مرد از صندوق جبران خسارت بدنی پرداخت می شود.»

با توجه به این حکم، میزان دیه زن در صورت قتل، عملاً معادل دیه مرد در قانون سال ۱۳۹۲ است، اما تطبیق ماده ۵۵۱ در موارد صدمه بدنی محل سؤال است. استفاده از واژه جنایت در ماده ۵۵۱ جای بررسی دارد. این اصطلاح را قانونگذار در بخش های دیگر کتاب چهارم هم برای اعمالی که منجر به مرگ می شود و هم برای اعمالی که باعث صدمه بدنی می شود، اما منجر به مرگ نمی شود، به کار برده بود. بنابراین، قاعده ماده ۵۵۱ می تواند در هر دو مورد قابل اجرا باشد و در نتیجه پاسخ به سؤال تساوی دیه زن و مرد در موارد صدمه بدنی مثبت است. خود این که ماده ۵۵۱ ذیل فصل اول از جزء دوم کتاب چهارم دیه قتل بلافاصله بعد از ماده ۵۵۰ در مورد میزان دیه زن در قتل آمده است، اعتبار این تفسیر را خدشه دار می کند. اما ماده ۵۶۰ در مورد میزان دیه زن در موارد صدمه بدنی در فصل بعدی کلیات میزان دیه صدمه بدنی آمده است. بنابراین، پاسخ دقیق به سؤالات مربوط به تساوی دیه زن و مرد در موارد صدمه بدنی آسان نیست و رویه واقعی دادگاه ها بر اساس قانون ۲۰۱۳ پاسخ دقیق تری ارائه می دهد [۱۴]

### نتیجه گیری

مقاله حاضر به بررسی تاریخچه قانونگذاری حقوق کیفری اسلام در ایران طی سه دهه گذشته پرداخته است. تاریخ قانونگذاری حقوق کیفری در ایران را می توان به دو دوره تقسیم کرد. دوره اول به انقلاب مشروطه و تأسیس مجلس در سال ۱۹۰۶ برمی گردد که در سال ۱۹۷۹ به پایان رسید.

قانون مجازات عمومی ۱۹۲۵، دومین قانون جزایی مصوب در این دوران، که تا حد زیادی از نظام فرانسه و قوانین ناپلئونی الهام گرفته شده بود، بیش از نیم قرن به اجرا درآمد. این قانون جرایم را بر اساس هنجارهای سکولار شناسایی و طبقه بندی کرد. پس از انقلاب ۱۳۵۷ و جایگزینی قانون اساسی ۱۹۰۶ با قانون اساسی جمهوری اسلامی (۱۳۵۸)، رویکرد کلی قوه مقننه دستخوش تغییر اساسی شد. انطباق قوانین با احکام و موازین اسلامی هدف اصلی شد. از این رو حقوق کیفری اسلام مبنای تعریف جرایم و طبقه بندی آنها در عصر جدید - از سال ۱۳۵۸ به بعد - قرار گرفت. برخلاف قانون عمدتاً سکولار ۱۹۲۵، قوانین اسلامی چارچوب و محتوای قوانین مجازات اسلامی ۱۹۹۱ و ۲۰۱۳ را شکل داد.

همانطور که در قسمت قبل بحث شد، مروری بر تاریخچه قوانین کیفری پس از سال ۱۳۵۷ به وضوح نشان می دهد که شورای نگهبان، بالاترین مرجع نظارت و نظارت بر کلیه قوانین کشور، اختیارات خود را بر قوانین مصوب قوه مقننه (مجلس/مجلس) به منظور اطمینان از سازگاری دقیق با موازین و موازین شرع اعمال کرده است.

مقایسه مقررات مربوطه در قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ و ۱۳۹۲ - در بخش سوم مقاله - نشان می دهد که تمایز اصلی این دو قانون در سازماندهی قانون مجازات اسلامی به ویژه در مورد کلیات است. سازماندهی کتاب اول کد سال ۲۰۱۳ بهبود یافته است. کلیات از نظر حقوق جزای عمومی افزایش یافته است. در مقابل، تنظیم قانون ۱۳۹۲ در بخش مربوط به حقوق جزای خاص و طبقه بندی جرایم بر اساس قوانین جزایی اسلام - در کتب حدود، قصاص و مجازات های دیه - تغییر قابل ملاحظه ای نداشته است. علاوه بر تغییرات خاصی در قالب، محتوای کد ۲۰۱۳ در کتاب های اول، دوم و چهارم دستخوش تغییرات جزئی شده است. عمده ترین تغییرات در محتوای کتاب اول را می توان در دو موضوع خلاصه کرد. مقررات مربوط به کلیات تعزیرات و رژیم جدید در مورد اقدامات اصلاحی برای صغار. تصریح حکم عدم تطبیق اصل قانونی بودن در مجازات های حدودی.

معرفی کفر به عنوان جنایت حد و طبقه بندی مجدد جنایات حدود محاربه، افساد فی الارض و بقیع را می توان از عمده ترین تغییرات محتوایی کتاب دوم دانست. در نهایت، مهم ترین تغییرات در محتوای کتاب چهارم را می توان در احکام تساوی دیه مسلمان و غیر مسلمان و حکم مربوط به تساوی دیه مرد و یک زن یافت.

تحلیل این تغییرات و منطق آنها ما را در همه موارد به نتیجه ای مشابه می رساند. کد ۲۰۱۳ سعی کرده است - حداقل - برخی از مشکلات را حل و فصل کند که در جریان اجرای قانون ۱۹۹۱ از طریق طراحی تعدادی مکانیسم های بدیع و کاربردی بدون عبور از مرزهای شرع یا تغییر اساس، چارچوب، ویژگی ها و ویژگی های آیین نامه ۱۹۹۱ به وجود آمد.

معرفی مجدد حقوق جزای اسلامی - پس از تجربه قانون جزایی سکولار - که در این مقاله در مورد ایران بررسی شده است، تجربه منحصر به فردی در جهان اسلام نبوده است. اولین چنین تجربه ای در لیبی در سالهای اولیه حکومت سرهنگ قذافی (۱۹۷۲-۱۹۷۴) رخ داد. از آن زمان قوانین جزایی اسلامی در تعدادی از کشورهای مسلمان از جمله پاکستان، سودان و همچنین در شمال نیجریه وضع شده است. از آغاز این فرآیند، طیف وسیعی از پرسش ها از جمله در رابطه با منطق توسل به شریعت، کارآمدی قانون گذاری جدید در جوامع مدرن و پیچیده و همچنین با توجه به ملاحظات حقوق بشر مطرح شده است. در سطح عمومی و به طور گسترده در ادبیات مربوطه مورد بحث قرار گرفته است. پس از سه دهه فعالیت واقعی، اکنون کاملاً مشهود است که تجربه

ایرانیان در قوانین کیفری اسلامی، که می‌توان آن را مفصل‌ترین و جامع‌ترین قانون مبتنی بر شریعت در کل جهان اسلام دانست، با طیفی از دشواری‌ها، عدم قطعیت‌ها و مناقشات مواجه شده است. همین واقعیت که قانون سال ۲۰۱۳ به صورت آزمایشی برای یک دوره موقت ۵ ساله تصویب شد، این نکته را تأیید می‌کند. در نهایت، عملکرد دادگاه‌ها در طول ۵ سال آینده احتمالاً تصویر واضح‌تری و احتمالاً پاسخ‌های بهتری به سؤالات برجسته در این زمینه به ما ارائه می‌دهد:

آیا دوره موقت کد ۲۰۱۳ به صورت موقت - مشابه آیین نامه ۱۹۹۱ - طولانی تر خواهد شد؟ آیا قوه مقننه (و شورای نگهبان) موفق به تدوین قانون مجازات اسلامی دائمی خواهند شد؟ و آیا تغییرات اعمال شده پاسخگوی نیازهای واقعی دستگاه قضایی برای اجرای عدالت خواهد بود؟

## منابع

۱. آیت اله یزدانی، امید دوست بین، راضیه قاسمی کهریزسنگی. (۲۰۲۴). جرم سیاسی و بررسی تطبیقی آن با حقوق جزای اسلامی. پژوهش‌های تطبیقی فقه، حقوق و سیاست، ۴(۲)، ۳۹-۵۸.
۲. صدیق نژاد، اکرامی، جانی پور، کرم. (۲۰۲۲). تطبیق سیاست جنایی حقوق جزای اسلام و ایران در جرایم مالی کارکنان دولت. مبانی فقهی حقوق اسلامی، ۱۴(۲) (پاییز و زمستان ۱۴۰۰).
۳. محمدبیکی علیرضا، شیرازی ورنامخواستی عباس، خدادی ابوالقاسم، & میرابراهیمی سیدعلی. (۲۰۲۰). ساز و کارهای حل و فصل غیرقضایی دعاوی کیفری در حقوق جزای اسلامی.
۴. محمدی، ن. ح.، ناظر حسین. (۲۰۱۹). نقش توبه در سقوط مجازات‌های حدی در فقه و حقوق ایران. فقه و قضا، ۱(۱۱)، ۱۸۳-۱۵۶.
۵. رحیمی، ظاهر، ویسی، محمود. (۲۰۲۳). موانع موقت قصاص در فقه مذاهب اسلامی و حقوق جزای ایران. مطالعات تقریبی مذاهب اسلامی (فروع وحدت).
۶. سلیمانی. (۲۰۱۸). بزه پوشی از منظر فقه اسلامی و حقوق جزای ایران. فقه و مبانی حقوق اسلامی، ۳۸(۱۱)، ۷۸-۵۹.
۷. شکفته گوهری، جانی‌پور اسکلکی. (۲۰۱۸). قاعده مجرمیت متقابل در حقوق جزای بین‌الملل ایران. پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی، ۵(۱۰)، ۴۱-۵.
۸. فتحی، امیر هوشنگ، هاشمی، دارابی، شهرداد. (۲۰۲۲). نسبت سنجی، موضوع شناسی تقنینی و رویه ای در توبه از زنای به عنف در حقوق ایران، ترکیه و مصر. ماهنامه جامعه شناسی سیاسی ایران، ۵(۱۰)، ۱۳۳۳-۱۳۴۸.
۹. بخشی زاده، طاهر، بشیریه، تهمورث، غلامی. (۲۰۲۳). اصل حداقل بودن حقوق جزا در حقوق کیفری ایران؛ چالش‌ها و راهکارها. آموزه‌های فقه و حقوق جزاء، ۲(۳)، ۱۹-۴۲.
۱۰. فتحی، امیر هوشنگ، هاشمی، دارابی، شهرداد. (۲۰۱۹). چالش‌های تقنینی نهاد توبه در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ با تأکید بر زنای به عنف و با رعایت حقوق بشر در ایران. مجله علمی پژوهشی حقوق پزشکی، ۱۳، ۱۷۱-۱۹۲.
۱۱. میرزایی. (۲۰۱۸). جایگاه اصل حداقل بودن حقوق جزا در پرتو اسناد حقوق بشر و حقوق کیفری ایران. کانون وکلای دادگستری اردبیل، ۵(۴)، ۲۷۹-۳۰۸.



۱۲. محمدی ایروانلو سلطانعلی، صالحی سیدمهدی، نیکخواه سرنقی رضا. (۲۰۱۶). بررسی تطبیقی مسوولیت کیفری اطفال در حقوق جزای ایران و جمهوری آذربایجان.
۱۳. عینی نجف آبادی، محسن، حبیب زاده، محمد جعفر. (۱۹۹۸). موجبات اجرای تعزیر از نظر فقهی و حقوق کیفری ایران. پژوهش های حقوق تطبیقی، ۲(۵)، ۷۵-۹۴.
۱۴. کریمی، مزدارانی. (۲۰۱۲). ارزیابی آثار کنوانسیون پالرمو بر صلاحیت جزایی-قضایی کشور در پرتو حقوق جزای بین الملل و قانون مجازات اسلامی جدید. مطالعات بین المللی پلیس، ۹(۳)، ۱۲۴-۱۴۸.